



## دیوان کیفری بین المللی؛ پایان یلدای مصونیت جنایتکاران (قسمت دوم و پایانی)

پدیدآورنده (ها) : جوانمردی، بهروز

حقوق :: نشریه قضاوت :: آذر و دی ۱۳۸۹ - شماره ۶۷

صفحات : از ۵۷ تا ۶۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/868814>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## مقالات مرتبط

- نگاهی به اساسنامه دیوان کیفری بین المللی
- مقایسه اساسنامه های دادگاه یوگسلاوی، نورمبرگ و دیوان کیفری بین المللی (از حیث منشأ حقوقی و صلاحیت)
- صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین المللی
- صلاحیت شورای امنیت در ارتباط با دیوان کیفری بین المللی (ICC)
- اصل صلاحیت جهانی در آینه دیوان کیفری بین المللی
- صلاحیت دیوان کیفری بین المللی نسبت به جنایت تجاوز
- جرم تجاوز در دیوان کیفری بین المللی
- حقوق بشر و تأثیر آن بر حاکمیت ملی دولت ها
- ارجاع جنایت های بین المللی به دیوان کیفری بین المللی (ICC) توسط شورای امنیت و آثار آن
- تبارشناسی حقوق بین الملل کیفری در مجموعه ی قواعد حقوق بین الملل
- آیین تعقیب جنایات در دادرسی دیوان کیفری بین المللی
- زمینه های عدالت ترمیمی در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی

## عناوین مشابه

- دیوان کیفری بین المللی؛ پایان یلدای مصونیت جنایتکاران (قسمت اول)
- آیین دادرسی و ادله دیوان بین المللی کیفری [قسمت دوم]
- مبانی و آثار تغییر رویکرد دیوان بین المللی دادگستری در الغای مصونیت کیفری سران دولت ها در قضیه حیسن هابره (رئیس جمهور سابق چاد)
- اصل مصونیت در برابر خوداتهامی در محاکم کیفری بین المللی؛ با تاکید بر دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق، رواندا و دیوان کیفری بین المللی
- مصونیت رئیس دولت در چارچوب الزامات اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، قطعنامه شورای امنیت و عرف بین المللی
- آیین دادرسی و ادله دیوان بین المللی کیفری [قسمت اول]
- بررسی حقوقی مداخله دادستان دیوان بین المللی کیفری و شورای امنیت در قضیه میانمار
- صلاحیت های دیوان کیفری بین المللی و جرائم مورد تعقیب
- مسئولیت سران و نظامیان دولت های متجاوز در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی
- در آمدی بر تأسیس دیوان کیفری بین المللی و ارزیابی اساسنامه آن



قسمت دوم و پایانی

## دیوان کیفری بین‌المللی؛ پایان یلدای مصونیت جنایتکاران

◀ بهروز جوانمرد

بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر پانزده سال برای جنگ و... اساسنامه قواعدی را ناظر بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و همچنین مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی (جنگ‌های داخلی) در خود جای داده است. ماده ۸ اساسنامه با تفکیک میان شورش‌های داخلی و منازعات مسلحانه غیر بین‌المللی، شورش‌ها را از شمول خود خارج می‌کند؛ که این امر دست دولت‌ها را برای برخی افراط‌ها در رابطه با شهروندانشان باز می‌گذارد.

ماده ۱۲۴ اساسنامه مقرر می‌دارد که هر دولت عضو می‌تواند تا مدت ۷ سال پس از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه نسبت به خود صلاحیت دیوان را نسبت به جرایم مذکور در ماده ۸ (جنایات جنگی)، هنگامی که یکی از اتباعش آن را مرتکب شده باشد یا در قلمرو آن دولت ارتکاب یافته باشد، نپذیرد.

حق تعلیق جنایات جنگی تا ۷ سال از سوی یک دولت و عدم استفاده از آن توسط دولت عضو دیگر سبب می‌شود در جنگ‌هایی که نیروهای هر دو دولت مذکور حضور دارند دیوان نسبت به یک متهم صلاحیت رسیدگی داشته باشد و نسبت به متهم دیگری که در همان جمع شرکت کرده است صلاحیت نداشته باشد. این خود یکی از مشکلات اساسنامه دیوان است. ضمن این که امکان تعلیق جنایات جنگی در عمل به تضعیف دیوان منجر می‌شود.

صلاحیت جهانی در رسیدگی به جنایات جنگی هم در حقوق بین‌الملل قراردادی و هم در حقوق بین‌الملل عرفی پذیرفته شده است. مبنای قراردادی اعلام

این اعمال می‌توان به قتل، ریشه‌کن کردن، به بردگی گرفتن، اخراج یا کوچ اجباری یک جمعیت، شکنجه، تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری، ناپدید کردن اجباری، تبعیض نژادی، حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید آزادی جسمانی بر خلاف قواعد اساسی حقوق بین‌الملل، تعقیب و آزار مداوم گروه یا مجموعه‌ای مشخص به دلایل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، و... اساسنامه در ادامه برخی از اعمال فوق‌الذکر را شکافته و تعریف می‌کند.

### ج - جنایات جنگی ۴

ماده ۸ اساسنامه دیوان، جنایات جنگی را در دو دسته تقسیم‌بندی کرده است:

۱- نقض فاحش کنوانسیون‌های ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو در رابطه با حقوق بشر دوستانه در جنگ‌ها  
۲- نقض فاحش قوانین و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل و حاکم بر منازعات مسلحانه بین‌المللی که به واسطه کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه شکل قانونی به خود گرفته است.

برخی از مصادیق جنایات جنگی عبارتند از: کشتار جمعی، شکنجه، رفتارهای غیر انسانی، تبعید و کوچ اجباری، گروگان‌گیری، حملات بر ضد مردم غیر نظامی یا نظامیانی که مشارکت مستقیم در مخاصمه ندارند، تجاوز جنسی، خشونت جنسی، تحریب و ضبط گسترده اموال که ضرورت‌های نظامی آن را توجیه نمی‌کند،

### ■ گفتار دوم: بررسی اساسنامه دیوان از منظر حقوق جزای اختصاصی

صلاحیت دیوان منحصر به خطرناک‌ترین جرائم مورد اهتمام مجموعه بین‌المللی بوده و به موجب اساسنامه، نسبت به جرایم زیر صلاحیت رسیدگی دارد:

### الف - جنایت نسل‌کشی یا به تعبیر برخی از اساتید کشتار جمعی ۲

ماده ۶ اساسنامه ی دیوان با اندکی تغییر همان ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۴۸ در رابطه با پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی می‌باشد. طبق این ماده، نسل‌کشی هر یک از اعمالی است که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی ارتکاب می‌یابد. نسل‌کشی فقط به قتل عام قومی و گروهی محدود نمی‌شود و شامل مواردی چون ایراد صدمه شدید به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه، اعمال اقداماتی جهت جلوگیری از تولد و تناسل اعضای یک گروه، انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر و... نیز می‌باشد.

نکته‌ای که باید به آن دقت شود این است که جنایات نسل‌کشی می‌تواند هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح اتفاق افتد.

### ب- جرایم علیه بشریت ۳

حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد یک جمعیت غیر نظامی که با علم به آن ارتکاب می‌یابد. از مصادیق

صلاحیت جهانی توسط کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و در ارتباط با مواردی از نقض کنوانسیون‌ها که نقض فاحش نامیده می‌شود، بنا نهاده شد. به موجب مواد مربوط هر یک از کنوانسیون‌ها، دولت‌ها باید متهمین را صرف‌نظر از ملیت آنها مورد تعقیب قرار داده و آنها را در دادگاه‌های خود محاکمه کرده یا برای محاکمه به دولت دیگر تسلیم کنند. گرچه در کنوانسیون‌ها، صراحتاً نیامده است که اعمال صلاحیت، صرف‌نظر از محل ارتکاب جرم هم قابل اعمال است اما از این کنوانسیون‌ها به عنوان پایه‌گذار صلاحیت جهانی تعبیر می‌شود. به این ترتیب، کنوانسیون‌های ژنو، نخستین نمونه‌های صلاحیت جهانی در حقوق قراردادی هستند. به علاوه کنوانسیون‌ها از موارد صلاحیت اجباری هستند زیرا دولت‌ها را ملزم به اعمال صلاحیت می‌کنند.

دولت‌ها ضرورتاً ملزم به محاکمه متهمین نیستند اما در مواردی که خود اقدام به محاکمه کنند؛ باید رویه‌های لازم را برای تحویل متهم به دولت دیگر که یک ادعای معمول به صحت در مورد وی به عمل آورده است، ایجاد کنند. اگر دولت‌ها از تحویل متهم به دول دیگر خودداری کنند باید خود قوانین کیفری لازم را برای محاکمه متهمین صرف‌نظر از تابعیت آنها با کشور محل ارتکاب جرم داشته باشند. کنوانسیون‌های ژنو، صراحتاً اجرای صلاحیت را به متهمینی که در سرزمین دولت دستگیر شده‌اند محدود نمی‌سازد. از یک نظر این بدان معناست که دولت‌ها می‌توانند [و] در حقیقت باید (حداقل در مواردی که چنین رسیدگی‌هایی در سیستم حقوق ملی آنها پذیرفته شده باشد) در مورد متهمانی که خارج از سرزمین آنها به سر می‌برند مبادرت به تحقیق و رسیدگی کنند.

در حالی که مقررات قراردادی مربوط، محدود به موارد نقض فاحش می‌شوند، صلاحیت جهانی در حقوق بین‌الملل عرفی به گونه‌ای تلقی می‌شود که کلیه موارد نقض قوانین و عرف‌های جنگی را که جنایت جنگی محسوب می‌شوند در بر گیرد. این موارد شامل مواردی از نقض جدی مربوط به ابزارها و روش‌های جنگی است که در شمار موارد نقض فاحش به شمار نمی‌روند. این نظریه هم که نقض جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مخاصمات داخلی نیز باید جنایت جنگی محسوب شوند کاملاً پذیرفته است. به این ترتیب این تخلفات هم که شامل موارد نقض جدی ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل دوم الحاقی هستند، مشمول صلاحیت جهانی می‌شوند.

### د- جنایت تجاوز

با این که واژه تجاوز در منشور ملل متحد بسیار به کار رفته است ولی در هیچ کجای منشور از آن تعریفی ارائه نشده است. ماده ۳۹ منشور ملل متحد احراز عمل تجاوز و اعمال اقدام‌های مقتضی در این رابطه برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی را از وظایف شورای امنیت دانسته است.

عدم تعریف تجاوز، موجب شده که امور بین‌المللی در آن جا که با عنوان تجاوز تلافی داشته است دچار رکود و انسداد شود مثلاً اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۱۹۵۴ تهیه شد اما به علت عدم تعریف تجاوز مورد بررسی قرار نگرفت. سرانجام

مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تشکیل کمیته کاری ویژه‌ای سعی در تعریف تجاوز نمود و بعد از ۲۰ سال در سال ۱۹۷۴ قطعنامه ۳۳۱۴ با عنوان «قانون نامه تعریف تجاوز» به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. طبق این قطعنامه تجاوز عبارت است از «استفاده از زور توسط یک کشور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشور دیگر یا به طریق دیگری ناسازگار با منشور ملل متحد».

مصادیق تجاوز بسیار متنوع است مانند حمله به یک کشور، انضمام سرزمین کشوری دیگر به خاک خود یا توسل به زور، بمباران سرزمین‌های یک کشور، حمله به نیروی هوایی، دریایی و زمینی یک کشور، محاصره بنادر یک کشور و... با اینکه گمان می‌شد با تعریف تجاوز مشکلات مبتلا به جامعه بین‌المللی حل خواهد شد ولی مواضع دولت‌ها در عرصه بین‌المللی نشان داد که پایبندی چندانی به این قانون ندارند و آن را سندی الزام‌آور محسوب نمی‌کنند.

شوق د بند ۱ ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، رسیدگی به جرم تجاوز را در صلاحیت دیوان دانسته است ولی اساسنامه تعریف تجاوز و شرایطی که دیوان تحت آن می‌تواند به این موضوع رسیدگی کند را طبق مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ منوط به تشکیل کسبونی برای بررسی این موضوع و انضمام این تعاریف و شرایط به اساسنامه دیوان در کنفرانس بازنگری‌ای که هفت سال پس از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه دیوان تشکیل می‌شود، نموده است. چرا که در مذاکرات ۱۹۹۸ رم برای ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی، دولت‌ها اعلام کردند که قطعنامه ۳۳۱۴ را به عنوان تعریف تجاوز به رسمیت نمی‌شناسند.

ذیل بند ۲ ماده ۵ اساسنامه دیوان بیان می‌دارد که مقررات راجع به تجاوز باید با مقررات مربوط در منشور ملل متحد هماهنگ باشد. آنچه در این بین آشکار است تمایل شورای امنیت به انحصار اختیار تعیین و تشخیص تجاوز و عدم واگذاری آن به نهاد بین‌المللی دیگری است؛ در حالی که سایر کشورها سعی در ارایه تفسیری موسع از تجاوز دارند.

به هر حال اعمال صلاحیت نسبت به رسیدگی به جرم تجاوز، مطابق قسمت اخیر ماده ۵ (که به مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ ارجاع داده است) تا تعریف جرم مزبور (که در جریان کنفرانس بازنگری در سال ۲۰۰۹ قرار است ارائه گردد که ظاهراً موضوع به سال ۲۰۱۰ موکول شده است). معلق خواهد ماند نتیجه اینکه تا زمان ارائه تعریف جامع و مانع در مورد جرم تجاوز مطابق فصل هفتم منشور ملل متحد که وظیفه پاسداری از صلح بین‌المللی و جلوگیری از تجاوز واحراز آن را به شورای امنیت سازمان ملل متحد واگذار نموده است، این شورا صالح به رسیدگی است.

لازم به تذکر است که در کنفرانس رم، ایران و مکزیک مخالف صلاحیت شورای امنیت بودند که نهایتاً قرار بر این شد که صلاحیت دیوان نسبت به رسیدگی به جرم تجاوز شناسایی شود. نهایتاً اعمال آن موکول به تعریف تجاوز گردید. باید خاطر نشان ساخت که شورای امنیت که با اراده ایالات متحده آمریکا در سال‌های اخیر به تشکیل دادگاه‌هایی در رابطه با جرائم ارتكابی در قلمرو یوگسلاوی سابق و رواندا دست زده است طبعاً مایل به این تفسیر از منشور است که پاسداری از

صلح بین‌المللی و مآلا تشکیل محاکم بین‌المللی کیفری به عهده شورای مذکور است. به همین خاطر است که ایالات متحده آمریکا اساساً از تشکیل و تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی که مستقل از شورای امنیت بتواند به جرائم بین‌المللی رسیدگی نماید ناخشنود بوده و هست و علت اینکه تا کنون روی خوش به دیوان نشان نداده، نیز همین است. از میان کشورهای زیادی که عضو دیوان نیستند، تنها کشور فعال در مبارزه با دیوان، آمریکا است، هر چند تلاش آمریکا موفقیتی نداشته و در ممانعت از عضویت کشورهای علاقه‌مند، موفق نبوده است. گفته می‌شود علت مخالفت آمریکا با دیوان، این بوده که ممکن است اتعاش مورد تعقیب در دیگر کشورها قرار بگیرند. اما به نظر می‌رسد علت اصلی این جریان، کنترل ضعیف شورای امنیت بوده است. آمریکا که از ابتدا برای در دست داشتن کنترل دیوان توسط شورای امنیت یا بهتر بگوییم خودش، تلاش می‌نمود، پس از ناکامی در این تلاش‌ها با استفاده از ماده ۹۸ اساسنامه تاکنون با حدود ۱۰۰ کشور توافق نامه‌هایی را به امضا رسانده است که بر اساس این توافق‌ها اتباع آمریکا در خاک این کشورها از نوعی مصونیت برخوردار می‌شوند و به دیوان تحویل داده نخواهند شد. همچنین کنگره آمریکا در اول ژوئیه ۲۰۰۳ ارسال کمک‌های مالی و نظامی خود به ۴۷ کشور را قطع کرد. قطع این کمک‌ها به دلیل عدم امضای موافقتنامه‌های موسوم به موافقتنامه‌های اعطای مصونیت با آمریکا است.

صدمین کشور عضو دیوان، مکزیک بود که علیرغم مخالفت آمریکا و تلاش برای عدم عضویت آن به دلیل هم مرز بودن و روابط اقتصادی دو کشور نهایتاً عضو دیوان شد. یا در مورد پرونده دارفور سودان، آمریکا با اجبار قبول کرد که این قضیه از طریق شورای امنیت به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع شود که برای آمریکایی‌های پر مدعا این یک شکست تلقی می‌شود. آمریکاییان، در طول مذاکرات، تلاش می‌کردند تا میان بدها، که مجبور به همکاری با دیوان هستند، و خوبیها، که شهروندان خود را در محاکم داخلی محاکمه می‌کنند، تمکیک ایجاد کنند لذا بعد از اینکه دولت آمریکا امضای خود را از اساسنامه رم پس گرفت، این برداشت شد که دیوان کیفری بین‌المللی نقشه آمریکایی‌ها برای در دام انداختن سایر کشورها بوده و پس گرفتن امضای آمریکا از معاهده را در جهت منافع این کشور تفسیر کردند. این که برخی جدا شدن آمریکا از این دیوان را در جهت منفعت‌طلبی دولت آمریکا تفسیر می‌کنند، نمی‌تواند کاملاً مقبول واقع شود؛ چرا که دیوان صلاحیت دارد در مورد دولت‌هایی که به عضویت آن در نیامده‌اند به صورتی عمل کند که اشخاص حقیقی را پای میز محاکمه بیاورد و عدم عضویت دولت‌ها نمی‌تواند راه فراری از محاکمه توسط دیوان باشد.

لازم به ذکر است که صلاحیت دیوان نسبت به جرائم اشخاص حقوقی منتفی است چرا که اغلب کشورهای حاضر در کنفرانس رم از جمله ایران با درج مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در اساسنامه مخالفت کردند چرا که معتقد بودند مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی متضمن مشکلات فراوانی از حیث مفهوم، بار دلیل، اجرا و غیره خواهد بود. وانگهی حقوق داخلی بسیار از کشورها مفهوم مسئولیت اشخاص حقوقی را

نمی‌شناسد. بدین ترتیب اگر این معنا در اساسنامه آورده شود ممکن است تعداد زیادی از دولت‌ها اساسنامه را نپذیرند. البته این کشورها قبول داشتند که مسئله مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی موضوع قابل بحثی است اما در شرایط فعلی (یعنی سال ۱۹۹۸) با وجود اختلاف‌های بسیار و کمبود وقت و اختلاف تفاسیر، اساسنامه می‌بایست به مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی اکتفا کند. در این میان تنها فرانسه بود که بر صلاحیت دیوان نسبت به جرائم اشخاص حقوقی پافشاری داشت. از منظر ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته شده طبق ماده ۷۷ اساسنامه، دیوان به یکی از دو مجازات حبس

به مدت حداقل ۳۰ سال یا حبس ابد (در مواردی که اهمیت جرم ارتكابی و اوضاع و احوال محکوم علیه آن را ایجاب کند) حکم می‌دهد. یکی از دلایلی که آمریکا از فرستادن پرونده محاکمه صدام به دیوان استقبال نمی‌کرد همین مجازات حبس ابد بود زیرا افکار عمومی عراق نیز حبس ابد را برای وی کافی نمی‌دانست و اکثریت مردم عراق در انتظار زمان اعدام صدام به سر می‌بردند لذا فرستادن پرونده به دیوان برابر با فرار صدام از مجازات اعدام بود. اجرای مجازات حبس در سرزمین دولتی امکان پذیر است که محکومان دیوان را بپذیرد. در صورتی که دولتی به شرح مذکور تعیین نشود مجازات در کشور میزبان دیوان، یعنی هلند، اجرا خواهد شد.

### ■ گفتار سوم: ساختار اساسنامه دیوان

اساسنامه مرکب از یک مقدمه و ۱۳ فصل و ۱۲۸ ماده است. ساختار اساسنامه نیز به همان صورتی است که قبلاً از سوی کمیته مقدماتی در ژانویه ۱۹۹۸ [و در] زوتفن هلند پیشنهاد شده بود باقی ماند. اساسنامه با یک سند نهایی که به تاریخچه اقدامات مجمع عمومی سازمان ملل در مورد تاسیس دیوان پرداخته همراه است. به علاوه، اساسنامه شامل ۴ ضمیمه یعنی قطعنامه مصوب کنفرانس رم، اسامی کشورهای شرکت کننده در کنفرانس رم، اسامی سازمان‌های غیردولتی شرکت کننده در کنفرانس نیز هست. اساسنامه سند رسمی سازمان ملل متحد است و بدین لحاظ به تمام زبان‌های رسمی سازمان ملل یعنی انگلیسی، فرانسه، عربی، چینی، اسپانیولی و روسی تنظیم گردیده که همگی سندیت دارند. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی قبل از هر چیز یک معاهده چند جانبه بین‌المللی است، بدین معنا که شماری از دولت‌ها با یکدیگر توافق می‌نمایند که دادگاهی بین‌المللی مطابق با صلاحیت‌ها و وظایف مذکور در اساسنامه تشکیل گردد و مرتکبین جرائمی را که در اساسنامه آمده است به مجازات برسانند. دولت‌ها، با توجه به مقررات اساسنامه، متعهد می‌شوند که با محکمه جدیدالتاسیس همکاری نموده و آرای صادره از آن را اجرا نمایند.

### الف - اصول اختصاصی

مبنای این اساسنامه که حق شرط نیز بر آن پذیرفته

نیست، بر ۵ اصل بنا شده است:

اصل اول، اساس صلاحیت دیوان بر دو عنصر استوار است: یکی قلمرو سرزمین یک کشور و دوم تابعیت فرد.

یعنی در صورتی که ارجاع کننده وضعیت، دیوان یا دادستان باشد برای اعمال صلاحیت دیوان لازم و کافی است که یکی از دو دولت (دولتی که در قلمرو وی جرم واقع شده است و یا دولت متبوع متهم) عضو اساسنامه باشد و یا صلاحیت دیوان را پذیرفته باشند.

پس اگر یک ایتالیایی در ایران مرتکب جرمی شود، قابل تعقیب در دیوان بین‌المللی می‌باشد، چون

ایتالیا (دولت متبوع مجرم)، عضو دیوان است. همچنین اگر یک ایرانی در ایتالیا مرتکب جرم شود دیوان صلاحیت رسیدگی دارد چون کشور محل وقوع جرم (ایتالیا) عضو دیوان است؛ علیرغم اینکه کشور متبوع فرد مجرم (ایران) عضو دیوان نیست. نتیجه اینکه صلاحیت دیوان در مورد ایران قابل اعمال نیست چون عضو اساسنامه تلقی نمی‌شود.

اما در فرضی که موضوع از سوی شورای امنیت به دیوان ارجاع شده است رضایت هیچ دولتی شرط اعمال صلاحیت دیوان نیست. بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که از اصل عدم تاثیر معاهده نسبت به دولت‌های ثالث تا

حدود زیادی در اساسنامه دیوان به نفع صلاحیت دیوان عدول شده است. توجیه مسئله در فرض اخیر یعنی در صورتی که موضوعی از سوی شورای امنیت به دیوان ارجاع گردید چنین است که شورای امنیت به موجب اختیارات ناشی از فصل هفتم منشور ملل متحد این اختیار را داشته و دارد که به طریق مقتضی به اقداماتی که برای حفظ صلح و امنیت جهانی لازم است دست بزند. معذک آنچه قابل توجه می‌باشد این است که قدر متیقن، اختیارات شورای مذکور انجام اقداماتی در رابطه با جرم تجاوز و نهایتاً اقدام برای حفظ صلح بوده است و نه اقدام برای رسیدگی به منازعات مسلحانه داخلی (غیر بین‌المللی) و یا همه مواردی که در اساسنامه به عنوان جرائم علیه بشریت از آنها نام برده شده است. به علاوه چنانچه حوزه صلاحیت دیوان در آینده (یعنی کنفرانس بازنگری در سال ۲۰۰۹) نسبت به جرائمی از قبیل تروریسم و مواد مخدر توسعه یابد شورای امنیت اختیار خواهد یافت که طیف بسیار گسترده‌ای از جرائم عرفی و معاهداتی را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع نماید. لازم به تذکر است که دیوان تنها نسبت به رسیدگی به جرائم اشخاص حقیقی عادی صلاحیت خواهد داشت به علاوه مصونیت‌های مقامات رسمی نیز موجب نمی‌گردند که دیوان نتواند صلاحیتش را نسبت به آن اشخاص اعمال نماید.

اصل دوم، اصل تکمیلی بودن دیوان ۷ است که، مقرر می‌دارد، دیوان تنها زمانی می‌تواند احراز صلاحیت نماید که نظام حقوقی ملی قادر به اعمال صلاحیت نباشد. البته اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری صلاحیت تکمیلی را تعریف نمی‌کند. در این اساسنامه فقط دوبار از صلاحیت

### اساسنامه دیوان کیفری

#### بین‌المللی قبل از هر چیز

#### یک معاهده چند جانبه

#### بین‌المللی است، بدین معنا

#### که شماری از دولت‌ها با

#### یکدیگر توافق می‌نمایند که

#### دادگاهی بین‌المللی مطابق با

#### صلاحیت‌ها و وظایف مذکور

#### در اساسنامه تشکیل گردد

#### و مرتکبین جرائمی را که

#### در اساسنامه آمده است به

#### مجازات برسانند

تکمیلی سخن رفته است: در بند ده مقدمه و در ماده یک، از اشاره به این دو منبع در ماده هفده اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مشخص است که تفسیر اصل صلاحیت تکمیلی، کلید قابلیت پذیرش قضایا نزد دیوان بین‌المللی کیفری محسوب می‌شود.

غالب نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس رم به این نکته تاکید داشته‌اند که اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نمی‌بایست صلاحیت رسیدگی به جرائمی را که مطابق قوانین داخلی کشورها به محاکم ملی داده شده است نفی نماید؛ بلکه دیوان باید تکمیل کننده صلاحیت محاکم ملی باشد. بدین معنا که تنها در صورتی که دادگاه‌های ملی صلاحیت دار قادر یا مایل به رسیدگی به جرایم موضوع اساسنامه نباشند دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به آن جرائم را داشته باشد. با وجود آنکه پاره‌ای از کشورهای شرکت کننده در این مباحثات پیشنهاد نموده بودند که تعریفی از تکمیلی بودن صلاحیت دیوان در اساسنامه منظور شود نهایتاً توافقی در این مورد صورت نپذیرفت.

اصل تکمیلی بودن صلاحیت دیوان، رابطه دادگاه‌های داخلی با دیوان بین‌المللی کیفری را مشخص می‌کند. صلاحیت رسیدگی ابتدائاً با دادگاه‌های داخلی است که تحقیق و تعقیب را شروع کند و اگر نخواهند یا نتوانستند، دیوان رسیدگی خواهد کرد. این صلاحیت مانند صلاحیت مراجع حقوق بشری نیست. آنجا اول باید مراجعه به دادگاه‌های داخلی انجام شود و اگر نتیجه عادلانه حاصل نشد به مرجع بین‌المللی می‌توان مراجعه کرد. شایان توجه است که اولاً دادگاه ملی صلاحیت دار که رسیدگی وی مانع از رسیدگی دیوان خواهد شد منحصر دادگاه‌های ملی کشورهای عضو اساسنامه نیست بلکه چنانچه جرمی در صلاحیت دادگاه دولتی باشد که به عضویت اساسنامه در نیامده است رسیدگی در دادگاه مذکور نیز مقدم بر رسیدگی دیوان خواهد بود. (مستفاد از ماده ۱۷ اساسنامه)

ثانیاً دادگاه صلاحیت دار دادگاهی است که به موجب قوانین ملی صلاحیت رسیدگی به جرم مورد نظر را داشته باشد. بنابراین در صورتی که محاکم ملی کشوری (مانند ایران) از قانون گذار خود صلاحیت رسیدگی به جرائم نسل کشی، تجاوز، جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت را دریافت نکرده باشند، نمی‌توانند به عنوان دادگاه صلاحیت دار به رسیدگی جرمی که در صلاحیت دیوان است تلقی شوند. این بدان معناست که دولت‌هایی که مایل به رسیدگی به جرائم مذکور هستند می‌بایست به لزوم قانون گذاری در این خصوص توجه نمایند. بر خلاف دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) که پذیرش صلاحیت آن محتاج اعلام اراده دولت عضو (به انحصار مختلف) و مستقل از عضویت در منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان می‌باشد، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی با تصویب اساسنامه و عضویت در آن از سوی دولتی مطابق بند ۱ ماده ۱۲ از سوی آن دولت به رسمیت شناخته می‌شود. دیوان بین‌المللی کیفری هر ادعای صلاحیتی را با صرف نظر از اصل صلاحیتی آن خواهد پذیرفت. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری هیچ گونه سازوکاری ارائه نمی‌دهد که کشورها بتوانند از طریق آن یکدیگر را از بروز تعارض صلاحیتی احتمالی، همچنین از مسئله محاکمه مجدد مطلع سازند. بنابراین، اساسنامه،

دیوان محاکمه نخواهد شد. محاکمه افراد در دیوان حضوری است و دیوان فردی را به صورت غیابی محاکمه نمی‌کند.

تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی مبتنی بر یک معاهده است، به عبارت دیگر شماری از دولت‌ها توافق کرده‌اند که مرجعی بین‌المللی برای رسیدگی به جرائم موضوع اساسنامه تاسیس نمایند. به موجب اصل اثر نسبی معاهدات، معاهده تنها نسبت به کشورهای معاهد لازم الاجراست. دولت‌های ثالث علی‌الاصول تعهد نسبت به اجرای معاهده منعقدۀ بین سایر دولت‌ها ندارد. بدین ترتیب هرگاه دولتی به عضویت دیوان کیفری بین‌المللی در نیاید علی‌الاصول حقوق و تکالیفی در دیوان نخواهد داشت زیرا عدم عضویت یک دولت به این معناست که وی صلاحیت دیوان کیفری را نپذیرفته است.

### ■ گفتار چهارم:

#### تحلیل عملکرد دیوان کیفری بین‌المللی

انسان از همان ابتدای خلقت به دنبال عدالت در جهان بوده است. امروزه با زیاد شدن جمعیت جهان و محدود شدن منابع انرژی، این عدالت زیر سوال رفته است، وجود جنگ‌های نابرابر در طول یکصد سال اخیر شاهدی بر این ادعاست. همان‌طوری که قابل مشاهده است، بعد از جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۹ و در مذاکرات مربوط به صلح ورسای، سخن از محاکمه جنایتکاران جنگی و پیشنهاد تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی جنبه جدی‌تری به خود می‌گیرد و محاکمه امپراتور آلمان به عنوان یک توافق بین‌المللی تصور می‌شود و متأسفانه با توجه به ملاحظات سیاسی در آن زمان هیچ نتیجه‌ای از این توافق گرفته نمی‌شود. یا می‌توان در دهه ۹۰ به تشکیل دو دادگاه بین‌المللی برای محاکمه جنایتکاران در یوگسلاوی سابق و روآندا اشاره کرد که در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ تشکیل شدند و این دادگاه‌ها نیز نتوانستند احکام خود را عمل نمایند زیرا از ضمانت اجرایی لازم برخوردار نبودند.

این نمونه‌ها و تجارب نشان می‌دهند که ملل جهان به دنبال تشکیل دادگاهی عادل، مستقل و موثر بودند که بتواند بدون توجه به ملاحظات سیاسی و بدون وابسته بودن به یکی از قطب‌های اقتصادی عمل نماید. لذا بعد از آغاز بکار دیوان کیفری در سال ۲۰۰۲ همگان بر این تصور بودند که

روای دادگاه عادل و مستقل بین‌المللی به وقوع پیوسته است ولی در این خصوص نگرانی‌هایی بین کشورهای عضو و شورایی که هنوز به اساسنامه نپیوسته‌اند (از قبیل ایران) وجود دارد.

در این خصوص بایستی به رابطه دیوان و شورای امنیت اشاره نمود چراکه در کنفرانس رم، کشورهای زیادی بر استقلال دیوان از شورای امنیت همواره تأکید می‌نمودند و در مقابل ایالات متحده بر نقش ممتاز شورای امنیت تأکید مینمود که حاصل این اختلافات سرانجام این بود که اساسنامه دیوان کیفری در دو نقطه به شورای امنیت نقش ممتازی بدهد. یکی اعطای حق

با فجع‌ترین جنایاتی که موجب نگرانی کامل جامعه بین‌المللی است طراحی شده است. این اصل در انتخاب نوع جرایم مربوطه و نیز تعیین شرایط تحقق جرم موثر بوده است. در حال حاضر ژنوسید، جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت در صلاحیت دیوان است و اینها در خصوص سه دیوان بین‌المللی دیگر (در مورد یوگسلاوی سابق، روآندا و سیرالئون) هم به همین شکل است. قرار است در کنفرانس سال ۲۰۰۹ (که البته به ژوئن ۲۰۱۰ موکول گردید) تجاوز، تروریزم و مواد مخدر بار دیگر مورد بررسی قرار بگیرند.

اصل چهارم این بود که اساسنامه حتی‌الامکان در چارچوب حقوق بین‌المللی عرفی بگنجد دلیل این رهیافت افزایش مقبولیت این اساسنامه بود لذا مجازات اعدام از اساسنامه حذف گردید در واقع اکثر کشورها خواستار لغو این مجازات بودند تنها در این میان کشورهای عربی و اسلامی معتقد به درج مجازات اعدام در اساسنامه بودند ولی النهایه این صلاحیت به دیوان داده نشده تا مجرم را به مجازات مرگ محکوم کند. شاید اگر اعدام را می‌گذاشتند خیلی از کشورها عضو دیوان نمی‌شدند. اما در اساسنامه تصریح شد که این معنا تأثیری بر قوانین داخلی کشورها نخواهد داشت.

به موجب ماده ۱۸۰ اساسنامه: هیچ موردی از موارد مذکور در این فصل از اساسنامه بر اجرای مجازات‌هایی که قوانین ملی مقرر کرده‌اند، تأثیر نمی‌گذارد همچنانکه بر قوانین کشورهایی که مجازات‌های مشروحه در این فصل را در قوانین خود پیش‌بینی نکرده‌اند، بی‌تأثیر هستند.

اصل پنجم، استقلال دادستان است. در روش طرح دعوی در دیوان در طرح سال ۹۴، بحث استقلال دادستان مطرح نبود و طرح اولیه این بود که شورای امنیت سازمان ملل، طرح دعوا کند. ولی با نصب دادستان در اساسنامه مصوب ۹۸، این موضوع کمرنگ‌تر شد و اکنون سیستم بین‌المللی قابل اعتمادتر است و دادستان میتواند مستقل‌تر عمل کند و این موضوع برخلاف خواسته آمریکایی‌هاست که نقش بیشتری برای شورای امنیت می‌خواستند.

ب - اصول عمومی حقوق جزا در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی فصل سوم اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به بیان اصول کلی حقوق کیفری اختصاص یافته است: اصل

قانونی بودن جرم و مجازات، اصل عطف بمسابق شدن مقررات اساسنامه، اصل برائت، مسئولیت کیفری فردی، عدم صلاحیت دیوان نسبت به اشخاص کمتر از ۱۸ سال، عدم تأثیر سمت رسمی افراد، مسئولیت فرماندهان نظامی و سایر مقامات ما فوق، نفی مرور زمان، عنصر معنوی جنایت، موجبات معافیت از مسئولیت کیفری، اشتباه در حکم یا موضوع، دستور مقامات مافوق، تجویز قانونی و اعتبار امر مختومه.

هیچ‌کس را نمی‌توان به خاطر یک جرم دو بار در دیوان محاکمه کرد؛ همچنین کسی که به موجب حکم دادگاهی دیگر به خاطر جنایتی محکوم شده است در

مسائل ناشی از صلاحیت متقارن را حل نمی‌کند؛ هر چند چنین سازوکاری را زمانی که دادستان، تحقیقی را آغاز نماید ارائه می‌دهد. (ماده ۱۸ - بند ۱) از اصل صلاحیت تکمیلی، دو مانع برای تعقیب توسط دیوان بین‌المللی کیفری قابل استنتاج است. نخست عنصر زمان است که بر اساس آن وظیفه اولیه تعقیب با کشورهاست نه با دیوان. اولین چیزی که دادستان دیوان پس از وقوع جنایت باید انجام دهد این است که صبر کند و ببیند چه اتفاقی می‌افتد. این را نیز می‌توان عدم محاکمه مجدد موقت نامید. تا زمانی که تحقیق توسط یک کشور در حال انجام است، دادستان دیوان نمی‌تواند قضیه را نزد دیوان بین‌المللی کیفری مطرح نماید.

مانع دوم این است که اصل صلاحیت تکمیلی نیز مانعی نهایی دارد؛ اگر کشوری اقدام کرده باشد و پرونده ملی مختومه شده باشد، پرونده نزد دیوان بین‌المللی کیفری نیز مختومه تلقی می‌شود، مگر اینکه یکی از معیارهای تعقیب مجدد مطرح شود. بنابراین در نهایت، اعمال اصل صلاحیت تکمیلی، به ایجاد مانع محاکمه مجدد منتهی می‌شود.

اخیرا مجلس شورای اسلامی طرح نحوه رسیدگی به شکایات جنایات نسل‌کشی و ضدبشریت و تعدیات ناشی از نژادپرستی را تصویب کرده که شورای نگهبان هم ایرادهایی را به آن وارد کرده است البته باید خاطر نشان کرد که از مطالعه سوابق امر این طور برمی‌آید که تهیه طرح برای پرکردن خلا مربوط به صلاحیت تکمیلی در مورد ایران نبوده است و انگیزه طرح این بوده که در مورد برخی جرایم مهم بین‌المللی به دادگاه‌های ایران صلاحیت جهانی اعطا شود اما نتیجه تصویب طرح در عمل این است که چنانچه طرح مزبور، مقررات در تعاریف اساسنامه دیوان را لحاظ کرده باشد که در مورد نسل‌کشی و جنایات ضدبشریت همین طور هم به نظر می‌رسد می‌تواند خلاء قانونی موجود در مورد اصل صلاحیت تکمیلی را پر کند و از این دیدگاه اقدام بسیار مثبتی است. در عین حال می‌توان ابراز تأسف کرد که طرح اولیه تهیه شده در مجلس دچار تغییرات زیادی گشته و ناقص شده است برای پوشش مسائل مطروحه در رابطه با اصل صلاحیت تکمیلی لازم است که این طرح تمام عناوین مجرمانه مذکور در اساسنامه را، منهای تجاوز که تعریف نشده است ذکر نماید در حالی که در مورد جنایات جنگی در این طرح اصلاحی به میان نیامده است، در ضمن ماده ۵ طرح مزبور اشعار می‌دارد: متخلفان از این قانون طبق قانون مجازات اسلامی مجازات خواهند شد!

این مطلب در صورتی صحیح است که عناوین مجرمانه نسل‌کشی و جنایات ضد بشریت در قانون مجازات اسلامی وجود داشته باشد در حالی که چنین عنوانی در این قانون نداریم. طرحی نیز توسط معاونت امور بین‌الملل قوه قضائیه تحت عنوان قانون مجازات جرایم بین‌المللی تهیه شده که اولاً با ملاحظه مسائل مربوط به صلاحیت تکمیلی تنظیم شده و ثانیاً تمامی عناوین مجرمانه مذکور در اساسنامه را داراست که این امر مانع هرگونه اشکال تراشی توسط دیوان مبنی بر عدم تمایل یا عدم توان دولت جمهوری اسلامی ایران در رسیدگی به جرایم مهم بین‌المللی خواهد شد.

اصل سوم مبنی بر این است که اساسنامه در ارتباط

ارجاع امر به دیوان است بدون آنکه رضایت هیچ دولتی شرط صلاحیت دیوان باشد و دوم مقرراتی است که در ماده ۱۶ اساسنامه آمده است. به موجب این ماده شورای امنیت حق دارد که از دیوان بخواهد که تحقیق یا تعقیب امری را به مدت ۱۲ ماه معلق نماید و این درخواست می تواند پس از انقضای ۱۲ ماه مجدداً تجدید گردد. بدین ترتیب اساسنامه به شورای امنیت حق وتوی موقت در اعمال صلاحیت دیوان را اعطاء نموده است. شناسائی حق مزبور بی تردید معنایی جز فلج کردن رسیدگی دیوان و نقض استقلال آن ندارد. حقیقت این است که دولت های حامی دیوان کیفری

مستقل در مقابل فشار ایالات متحده تسلیم شده اند البته فراموش نکنیم که فشار افکار عمومی جهانی اجازه نخواهد داد که شورای امنیت تنها به لحاظ ملاحظات سیاسی پاره ای از اعضا (به ویژه آمریکا و انگلیس) همیشه بتواند روند تعقیب و تحقیق را در دیوان متوقف سازد. این یک واقعیت است که منشور ملل متحد وظیفه حفظ صلح و امنیت بین المللی و احراز وقوع تجاوز را به عهده شورای امنیت نهاده است. معذک این بدان معنا نیست که منشور ملل متحد رسیدگی قضایی

به جرائمی که علیه صلح و امنیت بین المللی ارتکاب می یابند را به عهده شورا نهاده باشد و یا شورا بتواند راساً دادگاه های کیفری بین المللی تاسیس نماید. بعلاوه ناتوانی عملی شورای مزبور در احراز تجاوز به دلیل ماهیت سیاسی آن به ویژه نفوذ سیاسی پاره ای از اعضای شورا، این ارگان منشور را به وسیله ای برای حفظ صلح در معنا و زمانی که با منافع اعضای قدرتمند آن ارتباط دارد تبدیل نموده است. بنابراین اگر قرار است جامعه بین المللی به تاسیس دادگاهی بین المللی برای رسیدگی به جرائم بین المللی دست یازد، شورای امنیت می بایست از اختیارات ادعایی خود در مورد تشکیل دادگاه بین المللی دست بر دارد. بعلاوه شورای امنیت یک مرجع قضایی نیست و رسیدگی به جرم تجاوز نیز، می بایست در دامنه صلاحیت دیوان کیفری بین المللی قرار گیرد.

وضعیت پیشرفت تأیید اساسنامه رم که دیوان کیفری بین المللی را تاسیس می کند نشان می دهد که موانع قانون اساسی در کشورهای مختلف موانع کم اهمیتی نیست. تظاهر به اینکه این موانع وجود ندارد، با واقعیت تطبیق نمی کند. ولی می توان امیدوار بود که راه حل هایی برای حل آنها پیدا شود و این موانع از سر راه برداشته شود. کمی قوه تخیل لازم است که حقوقدانان در جمع از آن بی بهره نیستند. ولی باید یک تمایل سیاسی واقعی برای تأیید اساسنامه وجود داشته باشد. اگر چنین تمایلی وجود نداشته باشد، موانع مربوط به قانون اساسی در واقع بهانه هایی بیش نیست. نمونه بارز آن هم عملکرد ایالات متحده آمریکا است. بنابراین کشورها، سازمان های بین المللی، سازمان های غیردولتی و افکار عمومی باید برای تأیید سریع و جهانشمول اساسنامه رم تجهیز شوند تا این رویای کهن بشریت برای برقراری عدالت جزایی بین المللی یک رویا باقی نماند بلکه بدل به واقعیتی

ملموس و کامل و قوی شود. تحقق عملی هر چه سریع تر قدرت دیوان کیفری بین المللی می تواند بر بی خیالی یا مقاومت کشورهایی که اساسنامه رم را تأیید نمی کنند یا بر ضد آن تبلیغ می کنند پیروز شود، و این واقعیت جدید در آینده موفق خواهد شد بر کل جامعه بین المللی تحمیل شود.

البته، دیوان کیفری بین المللی، مثل هر نهاد بین المللی، بی عیب و نقص نیست. ولی اگر وجود نمی داشت، بی تردید می بایستی آن را ایجاد کرد. حال که وجود دارد، پس باید کوشش نمود به آن کارایی لازم بخشیده شود، بویژه آنکه این نهاد پاسخگوی آرزوی بسیار عمیق ملت های درد

کشیده در طول تاریخ است. به ویژه ضرورت وجودی آن پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بیشتر احساس شد. در هر صورت امروزه میدان عمل وسیعی برای مدافعان دیوان کیفری بین المللی وجود دارد. دولت ها نه فقط باید اساسنامه رم را هر چه سریع تر تأیید کنند، بلکه باید تمام اقدامات لازم را برای درج آن در قوانین داخلی خود و تصویب قانونی که همکاری کامل آنها را با دیوان تضمین کند و البته تأمین لوازم اجرای مفاد آن را به عمل آورند. در این مورد نیز مسائل گوناگونی وجود دارد ولی به نظر نمی آید که

غیر قابل حل باشد. ضرورت دارد که این موانع برطرف شود، دیوان کیفری بین المللی نباید یک صدف خالی باشد بلکه باید، همچنان که اساسنامه پیش بینی کرده، به نحوی واقعی و موثر، مکمل مراجع داخلی باشد.

بدون شک ایجاد چنین دیوانی که به محاکمه مجرمان بین المللی خواهد پرداخت می تواند مثبت و قابل توجه ارزیابی شود. زیرا دیوان می تواند زمینه اصلی برای توسعه و رعایت حقوق بشر جهت حفظ صلح و حمایت از امنیت بین المللی باشد. مسلماً دیوان ضمن بهره برداری از اصول کلی حقوق بین المللی می تواند با تصمیمات خود در آینده به شکل منبعی برای وضع عرف های بین المللی جدید حقوق بین الملل درآید. اگر دیوان کیفری بین المللی بخواهد در صحنه بین المللی مفید و معتبر باشد، لازم است که مستقل، بیطرف، عادل و مقتدر باشد. دیوان هرگز نباید تحت تأثیر و یا قیومت هیچ یک از کشورها و یا سازمان های بین المللی حتی شورای امنیت قرار گیرد. بدیهی است که یکی از راه های حفظ استقلال و بی طرفی دیوان عدم وابستگی مالی آن به یکی از قطب های اقتصادی می باشد. استقلال ارکان دیوان مخصوصاً قضاوت و دادستان آن نسبت به اقدامات خود باید تضمین گردد. زیرا موفقیت چنین دادگاهی در عرصه بین المللی مرهون آن است که پرسنل و کارمندان و خصوصاً قضات آن معین و مشخص بوده، از استقلال کامل و امنیت شغلی و تصدی برخوردار بوده، و از مداخله مستقیم و یا غیر مستقیم سازمان های بین المللی و یا کشورها در تصمیمات آنها مصون باشند. بالاخره دادگاه کیفری بین المللی باید بتواند یک سیستم مقتدر و منصفانه و عادلانه ای را در رسیدگی های کیفری و محاکمه و مجازات مجرمان بین المللی پایه ریزی نماید، تا بتواند آن شکافی را که از ناتوانی دادگاه های داخلی در رسیدگی به

**وضعیت پیشرفت تأیید اساسنامه رم که دیوان کیفری بین المللی را تاسیس می کند نشان می دهد که موانع قانون اساسی در کشورهای مختلف موانع کم اهمیتی نیست. تظاهر به اینکه این موانع وجود ندارد، با واقعیت تطبیق نمی کند**

پرونده های کیفری بین المللی ناشی میشود پر نماید.

### نتیجه

در ابتدای مقاله بیان شد که تاسیس یک دیوان کیفری بین المللی تنها راه برای تضمین اعمال یک صلاحیت کیفری بین المللی هدف دار، عینی و بی طرفانه و در نتیجه تحقق عدالت کیفری است؛ اگرچه دستیابی به این اهداف آرمانی برای بشر کاری بس دشوار است، ولی وقتی از حقوق بشر به عنوان یک رویداد والا، صحبت می کنیم به هیچ وجه استفاده گزینشی از آن تأثیری در ماهیت و الای آن نخواهد داشت. اگر بنیان حرکت های اجتماعی در جامعه ملل، جهت گیری های متفاوت از آنچه که موضع اولیه شان بوده است داشته باشند، این نمی تواند نفس آن حرکت را زیر سوال ببرد. ابعاد حقوق بشر آن قدر وسعت پیدا کرده است که باید با دید جدیدی به آن نگاه شود. امروز شاهد پیدایش یک وجدان بین المللی هستیم، همه این عوامل حاکی از این است که یکی از ارزش های بنیادین در حال شکل گیری است که هر عضو جامعه بین المللی به عنوان حفظ منابع جامعه بشری می تواند علیه دولت خاطی موضع گیری کند

حقوق بین الملل پاره ای تجربیات در قاعده مند ساختن تعارضات مثبت صلاحیتی با به کارگیری انتقال دادرسی فراهم می کند. این سازوکار تضمین می کند که جرائم بدون تعقیب باقی نمی مانند، در عین حال که به منافع کشورهای ذی نفع و نیز قربانیان و متهم احترام می گذارد. لذا دیوان بین المللی کیفری باید ابتکار عمل را به دست گیرد و نقش هماهنگ کننده را در این میان ایفا کند. نتیجه اینکه مهم نیست متهم در چه محکمه ای محاکمه می شود، بلکه مهم این است که او بداند که محاکمه خواهد شد و یلدای مصونیت بی کیفرمانی ۸ پایان می پذیرد.

### منابع:

#### الف - منابع فارسی:

- آقایی جنت مکان، حسین، محاکمه قدرت، متن سخنرانی دانشگاه چمران اهواز، ۱۳۸۴
- آل حبیب، اسحاق، دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران، مرکز چاپ و انتشار وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸
- ابراهیمی، سید نصرالله، درآمدی بر تاسیس دیوان کیفری بین المللی و ارزیابی اساسنامه آن، فصلنامه مجله حقوقی، شماره ۲۳،
- ابطحی، احسان، میراث صعب العبور دیکتاتور، مجله اکونومیست، ۱۵ تیر ۱۳۸۳
- بیگ زاده، ابراهیم، سازمان ملل متحد، محاکم کیفری بین المللی: تئوری و عمل «مجله تحقیقات حقوقی شماره ۱۸»، تابستان ۷۵
- همو، بررسی جنایات نسل کشی و جنایات بر ضد بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹
- HYPERSLINK @mailto:ahashemy@yahoo.com پورهاشمی، سید عباس، دیوان کیفری بین المللی و قانون اساسی ایران، وب سایت حقوق، ۲۰۰۵

## Specially the Work of the International Law

Garica - Amador (1999) I. L. C. Yearbook, Voll II Part I, 24 ; F. V. I. L. C. Yearbook, II

## ج - وب سایت‌ها

- 1- <http://en.wikipedia.org/icc2005>
- 2- <http://www.icc-cpi.int>
- 3- <http://igc.apc.org/icc>
- 4- <http://lchr.org>
- 5- <http://un.org>

## پی‌نوشت‌ها:

۱- دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی  
Behroozjavanmard@gmail.Com

- 2- genocide
- 3- crimes against humanity
- 4- war crimes
- 5- aggression

۶- گفتنی است نخستین نشست بررسی بازنگری در اساسنامه رم در شهر کامپالا کشور اوگاندا، از ۳۱ مه تا ۱۱ ژوئن ۲۰۱۰ برگزار خواهد شد. این نشست جدای از مجمع سالیانه کشورهای عضو (ASP) دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC)، متشکل از اجلاس‌های ویژه این کشورها به منظور انجام اصلاحاتی در اساسنامه

رم و بررسی چگونگی اجرا و اثرات آن است. افزودنی است در نوامبر ۲۰۰۹، ASP در مورد مسایل مورد بررسی در همایش بررسی، هم از نظر اصلاحیه‌ها و هم از نظر تأثیرسنجی‌ها، تصمیم‌گیری کرد. در این اجلاس، کشورهای عضو اساسنامه دیوان، اصلاحات پیشنهادی زیر را مورد بحث قرار خواهند داد: بازنگری در ماده ۱۲۴ اساسنامه رم؛ جرم تجاوز؛ گنجاندن استفاده از برخی سلاح‌ها به عنوان جرایم جنگی در منازعات مسلحانه‌ای که ماهیت بین‌المللی ندارند. ناگفته نماند هر چند ایالات متحده آمریکا در (ICC) عضویت ندارد اما دولت آقای اوباما جهت

افزایش کارایی و در عین حال افزایش قابلیت آن در نظام های قضایی محلی جهت تحت تعقیب قرار دادن موارد نقض حقوق بشر، در پی یافتن راهی برای همکاری با این نهاد بین‌المللی است. به همین منظور هیأت ناظران آمریکا نیز در اجلاس مذکور شرکت نمودند. افزودنی است ایالات متحده در سال ۲۰۰۰ اساسنامه رم را امضا کرد، اما شرط الزام آور بودن این پیمان برای کشور، تصویب آن از سوی مجلس سنا است.

- 7- complementarity jurisdiction
- 8- Impunity means «exemption from punishment or loss or escape from fines

- همو، جرائم علیه بشریت در منشور لندن، مجله دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۹، بهار ۱۳۷۷.

- همو، حقوق کیفری بین‌الملل و خشونت علیه زنان، [www.noormags.com](http://www.noormags.com) بهار و تابستان ۱۳۷۹، شماره ۱۷ و ۱۸.

- همو، بررسی تعارضات احتمالی قانون اساسی ایران با مفاد اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی و تعهدات قانونی ایران در صورت الحاق، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۳.

- نژندی منش، هیبت‌الله و اسکندر زاده، افسانه، اساسنامه دادگاه خاص عراق برای رسیدگی به جنایات علیه بشریت: پیشرفت یا پسرفت؟، وب سایت حقوق، ۱۳۸۵

- والاس، ربکا، حقوق بین‌الملل، ترجمه سید قاسم زمانی و مهناز بهارلو، مؤسسه و مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۲.

- اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک رم، انتشارات دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه، چاپ اول، ۱۳۷۷

## ب - منابع خارجی

1- David, Eric: Le tribunal international penal pour Pex-yougoslavie. in Revue belge de droit international, vol. XXV, 1992 n 2. Pp. 565598-

2- Paul TAVERNIER, Comment Surmonter les Obstacles

Constitutionnels à la Ratification du Statut de Rome de la Cour Pénale Internationale. Revue Trimestrielle des Droits de l'Homme er Juillet. No 51, 2002, pp. 545

3- Bruylant. Erés (ed. ). International Criminal Law: Quo Vadis 19 Nouvelles etudes Pénales, 2004.

4- Report of the International Law Commission on the work of its forty-sixth Session.

2 May-22 July 1994. UN General Assembly Official Records. Fouty-ninth Session No. 10(A/4910/

5- Dakar Declaration of 6 February 1998 for the Dstablishment of the International Criminal Court

6- Christine Gary, Judicial Remedies in International Law. Clarendon Press Oxford- 1990, Commission: R. Ago p. 215. See

- دله، ایو، دیوان کیفری بین‌المللی، ترجمه دکتر ابراهیم بیگزاده، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۷۸

- دهبیهم، علیرضا، در آمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی (در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی)، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰

- رحیمی، مصطفی، گفتاری در خصوص تشکیل دادگاه بین‌المللی کیفری، سایت دادستانی کل کشور، ۱۳۸۴

- زر آبادی، شیوا، یک روز مثل ما زندگی کن، روزنامه شرق، ۱۳۸۴

- سولر، ژان مارک، دیوان کیفری بین‌المللی، ترجمه معصومه سیف افجه، فصلنامه سیاست خارجی شماره ۳، پائیز ۱۳۸۰

- شپس، ویلیام، گزارش سخنرانی دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۴

- شریعت باقری، محمد جواد، نگاهی به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، ۱۳۷۷

- همو، صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین‌المللی، مجله حقوقی و قضائی دادگستری، ۱۳۷۸

- صمدی، مهدی، دیوان کیفری بین‌المللی سازمانی که متولد شده ولی رشد نمی‌کند، سایت اینترنتی باشگاه اندیشه، ۱۳۸۳

- کلاتریان، مرتضی، <http://www.iranbar.com/php?l=۱۴> قوانین اساسی کشورها و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، مجله حقوقی (دفتر خدمات بین‌الملل)، شماره ۲۹

- کلیپ، آندره، صلاحیت تکمیلی و صلاحیت متقارن در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ترجمه مهدی حدادی، مجله فقه و حقوق، سال دوم، پاییز ۱۳۸۴

- گلداستن، ریچارد، ارزیابی عملکرد دادگاه‌های سازمان ملل متحد برای یوگسلاوی سابق و رواندا، ترجمه رضا پاکدامن،

- گماری، مسعود، ارتباط سازمان ملل متحد با دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸

- مقامی، امیر، وضعیت کشورهای اسلامی در دیوان بین‌المللی کیفری؛ بازیگران، تماشاگران، روزنامه اعتماد ملی، ۱۳۸۵

- موثقی، حسن، تاسیس دادگاه بین‌المللی کیفری، روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۱

- موسوی، علی، نگاهی به دیوان کیفری بین‌المللی، ماهنامه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۵۲

- میراحمدی، سید علی، دیوان کیفری بین‌المللی، واقعیت‌ها، چالش‌ها، نشریه ماوی، ۱۳۸۳

- اشتباه به عنوان یک عامل رافع مسئولیت در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی / قسمت اول، مجله [www.noormags.com](http://www.noormags.com) فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳ - شماره ۴۳

- جنون، مستی و صغر سن در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، مجله [www.noormags.com](http://www.noormags.com) - <http://www.noormags.com>

- همو، صلاحیت دولت‌ها در رسیدگی به جرایم بین‌المللی، مجله دیدگاه‌های حقوقی، زمستان ۱۳۷۶، شماره ۸

حقوق بین‌الملل پارهای  
تجربیات در قاعده‌مند  
ساختن تعارضات مثبت  
صلاحیتی با به کارگیری  
انتقال دادرسی فراهم  
می‌کند این سازوکار  
تضمین می‌کند که  
جرائم بدون تعقیب باقی  
نمی‌مانند، در عین حال که  
به منافع کشورهای ذی نفع  
و نیز قربانیان و متهم  
احترام می‌گذارد